

سانسور

شماره ششم اسفند ۹۹ شماره مجوز: ۹۹۱۸۵

پشت پرده



کیف چرمی، پز عالی

انقلاب شفافیت

دل فدای عینک و آن چشم های خوشگلت
ژاکتی داری بنفش و بسته ام دل بر دلت

ای فدایت دل شود، لبخند نازش را ببین
این نگاهت بر افق، جان نیش بازش را ببین!

پشت آن عینک دو چشم ناز و زیبا خفته است
پشت آن چشمان زیبا قصه ای ناگفته است

تخت پیشانی تو، چون تخت سلطان کيقباد
چشم شهلاي تو دارد راز هايي بس زيادا!

پس چرا با ما نداری روی خوش مسئول من
اندکی هم سر به وضع بخت گند ما بزن

سال اول را چه گل هایی تو بر سرها زدی
سال دوم هم تو از چشمان دانشجو ردی

پوست گردو گشته با دستان دانشجو عجین
دست ما را در حنا تا کی گذاری نازنین

گر فراری ای ز دانشجو تمام هفته را
ما به دنبال توایم و تو به دنبال کجا

بس تو کردی ما جماعت را چه زیبا هی بلاک
دست شستیم از دو عالم گشته ایم از دم هلاک

مانده ام استاد من! گویی تو نوعش چه است؟!
آن بلاک دانش نکرده داغ، گو نوعش چه است!؟

بس کن ای استاد دانشجو گنه دارد بفهم
جان به قربانت گنه داریم ما استاد، رحم!

میشوی تو چون پیازی بیخودی اینگونه ریز
تا بسوزانی دو چشم خونمان را ای عزیز!

کیف چرمی را تو تا کی هی کنی غالب به ما
بس بکن دیگر نمی خواهیم کیف ای بی وفا

هی بخواهی خر کنی گویی دگر گشتم که پیر
ما ز امروز و ز فردا گفتنت هستیم سیر

ما به اینجا آمدیم امروز با صد اشک و آه
تا شوی در آسمان تیره ی ما مثل ماه

جان جانان ای سپهر ای دل به قربانت بیا
حرف ما را گوش کن از جان و از دل با وفا

ما به دنبال تو می گشتیم در هفت آسمان
در زمین پیدا شدی ای داش سپهر خوش بیان

مثل آن پروانه که دائم به دور شمع است
ما به دنبال توایم و با تو خاطر جمع است.

روزگار تخلفات غیرقانونی تقریباً به سر آمده و در کوچهای
بن بست ضوابط گرفتار شده است. امروز جنگ، جنگ
اولویت هاست. جنگ اینکه به چه چیزی پردازیم و به چه چیزی
پردازیم. چه چیزی مهم است و چه چیزی نامهم. دست
چه چیزی را بگیریم و آن را بر بالای سکو ببریم و چه چیزی را با
لگد به حاشیه برانیم و آن را به زمین بزنیم.
کارکرد دانشگاه نیز همین است. جایی که باید «داد» بزند و به
همگان اعلام کند «مهم و نامهم» چیست. و دانشجو از این رو بر
بالای مودنه می شود «دادبزن».

همه اما به دنبال این نیستند که دانشگاه چنین جایگاهی پیدا
کند و طلایه دار مسیر پیشرفت باشد. عده ای -و به حقیقت
عده ای- روزی شان در قبال جابه جا کردن اولویت هاست.
شبه مدیرانی که همیشه پول می گیرند تا اولویت ها را به ما نشان
بدهند، گاهی خود پول ها را حیف و میل «بی اهمیت ها» می کنند.
اینجا خطوط به همان اندازه مبهم است که گاهی دانشجو نیز
فریب ظواهر را می خورد و احساس می کند در حال نقش آفرینی
در یک مسیر مثبت است. اما غافل از اینکه او یک مهره بزرگ
است که تا در پازل همان شبه مدیران بازی نکند، آن ها موفق
نخواهند شد و نهایت وظیفه او می شود «دادبزن».

پس در این یک قلم تفاوتی نمی کند که در کدام خط و مسیر و
راه به سر می بریم، چون همه ما در رفع ابهام نسبت به مسائل
پس و پیش مان مشترکیم. «رفع ابهام» کلید حل مشکلات کلان
امروز دانشگاه است. زیرا دانشجو به اندازه کافی از فهم و بصیرت
برای تشخیص بهترین ها برخوردار است و تنها باید بر همان
عده ای غلبه کند که با رفع ابهام نسبت به پشت پرده های مسائل
دانشجویی و دانشگاهی مخالفاند و از این راه حیات سیاسی
و اجتماعی شان تامین می شود. شاید به تعبیری دیگر، امروز
نوبت هزینه دادن به قیمت یک انقلاب در دانشگاه است. انقلاب
شفافیت!

روزگاری مدیران این دانشگاه در سالگرد هفتاد سالگی آن که
بدون حضور دانشجو برگزار شد، سخن از این به میان آوردند که
اینگونه برنامه ها برایمان اعتبار به ارمغان خواهد آورد؛ و در همان
روزگار، سازه ی طرح مجتمع تئاتر دانشگاه، مدت ها به انتظار

تامین بودجه معلق مانده بود و هست. خوابگاه های متاهلی منتظر
دریافت اعتبار برای خدمات دهی بهتر و جامع تر برای دانشجویان
متاهل بودند و هستند. فاضلاب آزمایشگاه های دانشکده علوم که
پر از مواد شیمیایی است به کال دانشگاه می ریخت و هنوز هم
میریزد. هزینه شام و ناهار دانشجویان افزایش می یافت و کماکان
می یابد و هزاران هزار مسئله مهم دیگر. همچنین سوءمدیریت ها
تنها در حیطه مسائل دانشجویان نبوده است! این روزها برخی
کارمندان دانشگاه نیز با عدم پرداخت حقوق و تاخیر در آن
مواجه اند و صدای آنان شنیده نمی شود.

حالا دوران جمع بندی فرارسیده و نوبت پاسخگویی مدیران و
بالاخص مسئولین مالی دانشگاهی است؛ که کدامین اعتبار به حل
این معضلات مهم دانشجویی اختصاص پیدا کرده است؟
چرا یک مدیر دانشگاهی حتی پس از سال ها تکیه بر کرسی های
مدیریتی آن، هنوز یک بار -حتی یک بار- در بین فعالین
دانشجویی و تشکل های دانشگاه حضور پیدا نکرده است و این
در حالی است که سرخ تمام اتفاقات و فعالیت های غیرمرتبط
با اولویت دانشجویان، مستقیم با مسئولیت آن مدیر در ارتباط
است؟ مگر پرسشگری دانشجویان و رفع ابهام آنان در مسائلی
مانند جشن هفتادسالگی، برداشتن دیوارها، مجسمه فردوسی و...

چه ضرری متوجه جایگاه ایشان خواهد کرد؟
ما مثل بعضی ها طرفداران تئوری توطئه نیستیم که با مطرح
کردن شبهات غلط و درست، برچسب و تهمت، سعی در جمع
کردن فالوور برای خودمان باشیم! ما به عیان میگوییم و در عیان
مطالبه می کنیم که چرا اینگونه مدیری باید با سلام و صلوات
بیاید و برود؛ و حتی یک بار نسبت به آنچه عمل کرده است
پاسخگو نباشد؟

تکرار همیشه بد نیست. گاهی باعث می شود که یادمان بیاید
روزهای گذشته چگونه گذشته و از آن برای آینده عبرت بگیریم.
خوب است در دوران جمع بندی سوالات ساده و مهم و تکراری
را مجدد مطرح کنیم و برای رسیدن به یک پاسخ مشخص آن را
صادقانه، مصرانه و مدبرانه پیش ببریم. کما اینکه هر کجا دانشجو
پشت دانشجو ایستاد، مژه شیرین نتیجه مطالبه به حق خود را
زودتر از آن چیزی که حس کند دریافت کرده است.

به تعدادی کارمند جهت امور
زیر نیازمندیم:

- - حال گیری از شاگردان
مکتبخانه
- - معطل کردن ارباب رجوعان
- - سرکار گذاشتن کارمندان
منضبط مکتبخانه
- - گل یا پوچ
جهت هماهنگی PV
پیام بدهید.

6706

مدرک دکتری بدون یک ساعت حضور
در کلاس - تضمینی با سواد ۱۰۰ درصد
تکمیلی همراه با رساله بین المللی
جهت هماهنگی به مدیریت
امور مالی مکتبخانه مراجعه کنید

استخدام

به یک مدیر اتوکشیده صفر و
خشک بدون کوچکترین کار
کردگی جهت پر کردن جدول
نیازمندیم جهت هماهنگی بیشتر
به آیدی @mr_block
مراجعه کنید

حقوق ۳ تا ۷ میلیون

5358

یک مدیر داریم، کار چاق کن، پول ساز،
تمیز و اتوکشیده تا شرکت میرفته و
پشت میز مینشسته جدول حل میکرده.
تمیز، بدون خط و خشت با گارانتی تضمینی.
قیمت توافقی. به دایرکت مراجعه کنید.

استخدام

6730

به یک چک نقد کن با شرایط زیر
برای امور مالی مکتبخانه نیازمندیم:
- سابقه کاری در داشتن دست بزن
- حوصله کل کل با جوانان مکتبخانه
- توانایی تبدیل بدهکاران
مکتبخانه به پول

شناسنامه

نشریه‌ای که پیش رویتان است ششمین شماره از گاهنامه فرهنگی طنز سانسوریا می باشد که در اسفند ماه ۱۳۹۹ منتشر شد.
ما برای گرفتن مجوز خیلی تلاش کردیم و ماحصل این تلاشمون شماره مجوز ۹۹۱۸۵ شد.
هر نشریه یک پدر داره، کسی که اعضای نشریه مثل بچه‌هایش هستند و آقای محمدمین ناصری فرد چنین شخصیتی رو اینجا دارند.
تو هر گروهی یکی دو نفری هستند که هدایت بقیه رو به عهده می‌گیرند تا کارها طبق برنامه انجام بشه و گروه به هدفش برسه اینجا هم
خانم فرناز پاک‌بین و آقای سید محمدجواد کیش‌بافان این مسئولیت رو برعهده دارند.
البته زحمت اصلی این شماره روی دوش خانم‌ها و آقایان: یگانه افکار - فاطمه بوجار - فرهاد خسرویان - فرزانه زینلی - الهه صالحی - مهدی
طالبی - علیرضا مردانی - علیرضا نجفی بود و بدون وجود اون‌ها سانسوریا منتشر نمی‌شد.



sanad.um.ac.ir

آرشیو بروز نشریات دانشجویی دانشگاه فردوسی مشهد

آرشیو کامل نشریات دانشجویی • اخبار و اعلان های خانه نشریات • نحوه درخواست مجوز نشریه
نحوه دریافت حمایت مالی • اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات • نحوه ثبت آرشیو نشریه
دستورالعمل نشریات دانشگاهی • نحوه شرکت در جشنواره نشریات • اسناد و آئین نامه ها • لیست نشریات فعال